

بررسی تخلفات انتظامی قضات

تالیف

دکتر علی رزمان

مدرس دانشگاه

ویراستار

صفورا شهبازی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۷

سرشناسه	: رزمان، علی، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: بررسی تخلفات انتظامی قضات / تألیف علی رزمان؛ ویراستار صفورا شهبازی
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۸ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۵۵-۲۲-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: دادگاه عالی انتظامی قضات — قوانین و رویه‌ها
موضوع	: فساد قضایی — قوانین و مقررات — ایران
موضوع	: Judicial corruption -- Law and legislation -- Iran
موضوع	: قاضیان — ایران — خطای شغلی
موضوع	: Judges -- Iran -- Malpractice
موضوع	: قوه قضائیه — ایران — قوانین و رویه‌ها
موضوع	: Judicial power -- Iran -- Rules and practice
شناسه افزوده	: شهبازی، صفورا، ۱۳۶۱ - ویراستار
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ر ۴/۱۶۱۰ KMH
رده بندی دیویی	: ۳۴۷/۵۵۰۱۴
شماره کتابشناسی	: ۵۱۱ ۹۹

انتشارات قانون یار

بررسی تخلفات انتظامی قضات

تألیف: دکتر علی رزمان

ویراستار: صفورا شهبازی

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن دانشی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۵۵-۲۲-۲

مرکز پخش قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
فصل اول.....	۱۳
قانون و تخلفات انتظامی قضات.....	۱۳
فصل دوم.....	۷۷
جستاری بر علل و عوامل تخلفات برجسته انتظامی قضات.....	۷۷
فصل سوم.....	۱۴۵
آسیب شناسی قوانین و سیاستار نظام قضایی ایران.....	۱۴۵
منابع و مآخذ.....	۱۹۷

پیشگفتار

در این نکته هیچ کس تردید ندارد که قاضی مانند هر انسان دیگر در معرض اشتباه و انحراف است. با همه دقت‌ها و وسوسه‌هایی که قضات مراعات می‌نمایند، گاه اشتباهات و خطاهایی در تطبیق موضوعات با احکام و فهم مستندات و احصاء دلایل و نظایر اینها رخ می‌دهد که در هر کار بشر این امر طبیعی است. قانونگذار در مقام چاره جویی نسبت به اشتباهات قضایی و احکام مخالف اصول یا قوانین یا ادله یا مستندات، راههایی را برای یک سری از اشخاص قائل شده است. اگر در دستگاه قضایی میزان تخلف و فساد زیاد شود، جامعه با یک فاجعه واقعی رو به رو است، زیرا بر اساس قاعده، جامعه قضات شاخص‌ترین افراد جامعه هستند و بروز تخلف و انحراف در چنین سری، مشکلی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت. در گذشته فرض بر این بوده است که رئیس از کارکنان سایر نهادها به مصالح اجتماعی، پای بند است، اما تجربه سالهای اخیر نشان می‌دهد که تخلف و اشتباهات و جرایم انتظامی و فساد در بخش دستگاه قضایی گسترش بیشتری دارد، (ما را دلسرا و دادگاه عالی انتظامی قضات) و رو به فزونی است. از این رو تخلفات انتظامی قضات اگر چه ممکن است در مقایسه با جرایم دیگر نظیر قتل و سرقت، رعب انگیز نباشد، اما به لحاظ تأثیر گذار بودن در تخریب اجتماع و انحراف عمومی جامعه بیش از خطاهای دیگر باید مورد ملاحظه و توجه قرار بگیرد، به تعبیر دیگر، بارزترین انحراف قاضی به معنای عام، زیادتر از حد طبیعی این تخلفات انضباطی وی است. اساساً در نظام جمهوری اسلامی ایران نظارت بر حسن اجرای قوانین در حیطه امر قضا، از وظایف قوه قضاییه است. این وظیفه از طریق نظارت مراجع عالی بر آراء دادگاه‌ها صورت می‌گیرد. لذا شناسایی علل و عوامل شکل دهنده جرایم قضات از اهمیت خاصی برخوردار است و قبل از برخوردهای تحکمی، بایستی ریشه را شناسایی کرد. در این پژوهش سعی شده ابتدا با تعریف واژه تخلف انتظامی، به علل و عوامل مؤثر بر تخلفات انتظامی قضات که مؤثر در صدور تصمیمات غلط و آراء خطا از سوی آنان می‌باشد، با تمسک به قاعده رابطه علیت و موضوعات اطراف این را که علت و معلول نام دارد، پی جویی و دقیقاً مورد بررسی قرار داده تا



به یک نتیجه منطقی در جهت مبارزه با این آفات بدخیم که گریبانگیر جامعه ماست دست یافته و فائق آنیم.

آشنایی قضات و وابستگان دادگستری با امکانات و مشکلات حرفه ای خود و تشخیص میزان و حدود صحیح و عملی تکالیف و وظائفشان به عنوان عرضه کنندگان خدمات قضایی از یک طرف و آشنایی مردم با کیفیت توقعات و خواسته هایشان از دستگاه قضایی بعنوان پذیرنده آن خدمات از یک طرف دیگر، با عنایت به مطالب و موضوعات مطروحه در این پژوهش که به شکل واقعی و مجسم و در قالب تجربیات عملی بیان می شود، بدون شک مقدمه و موجد جنبش و حرکتی خواهد بود برای آغاز یک سلسله اصلاحات و تحولات اصولی، در راستای تأمین عدالت قضایی و اجتماعی که از اساسی ترین دگرگونی ها و مولد و پدیدآورنده اصلاحات و خدمات موثر دیگر در سایر امور و شئون سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور است. منتهی از نظر مردم جامعه، مقامی بسیار برجسته و قابل احترام است. زیرا وی تنها کسی است که چون بر مسند انصاف نشیند، هر ستمدیده و دردمندی به منظور استغاثه و استمداد به او پناه می برد و این اوست که با عدل صراحت و قاطعیت و به مقتضای عدالت باید احقاق حق کند و از ضعفا و ستمدیدگان در برابر آزیا و ستمکاران حمایت بی دریغ کند و همه را به یک چشم نگاه کند. نه قدرت و بزرگی و بزرگواران، نه زر و زور، زرداران و زورمندان او را مرعوب سازد و نه ضعف و ناتوانی زیردستان موجب بی اعتنائی او شود. بنابراین قضاوت یک شغل معمولی و یا عمل خودسرانه نیست تا هر کس بخواهد بصارت کند. قضاوت، ایمان، استعداد، لیاقت، توانایی، معلومات قضایی و از همه مهم تر وجدان پاک و شرافت و نجابت می خواهد. از این رو هر قدرتی برای رفاه و آسایش قاضی و ارتقای شان و منزلت قضاوت در جامعه انجام شود، به نوبه خود مؤثر در حسن انتظام دستگاه قضایی بوده و سلامت دستگاه قضایی را بیمه خواهد کرد؛ و آن وقت است که عدالت در رابطه با نظام قضایی می تواند به صورت کاربرد سازگار قانون، صرف نظر از ماهیت طرف های درگیر تفسیر شود. بهبود فرآیند دادرسی و ارتقای کیفیت صدور رأی در دادگاه ها توسط قضات یقیناً منوط بر وجود



مؤلفه هایی است که فقدان هر یک از آنها بی تأثیر در خطا، تخلف و اشتباهات قضایی نمی باشد. تامین خدمات رفاهی و معیشتی قضات همواره یکی از دغدغه ها و چالش های سازمانی بوده است. این چالش در سازمان گسترده و حساسی مانند قوه قضائیه نمود آشکار دارد، زیرا محل اجرای عدالت و احقاق حقوق مردم در این نهاد عملی می شود. این موضوع به اندازه ای اهمیت دارد که در منابع معتبر اسلامی به صراحت به آن اشاره شده و نهاد حاکمیت را مکلف به تامین آن کرده است. آسودگی خیال قضات و تامین نسبتاً مناسب آنان زمینه را برای رسیدگی عادلانه به پرونده ها بیش از پیش فراهم می کند. اساساً انگیزه انسان به شکل آگاهانه و ناخودآگاه بر نیامای استوار است. برخی از این نیازها مانند مسائل معیشتی، اعم از خوراک، پوشاک و مسکن را مانند آن جزء نیازهای اولیه محسوب می شود و برخی از نیازها نیز مانند ارزش و منزلت، جایگاه، ارتباط دوستانه و احترام، نیازهای دومین تلقی می شود. در حال حاضر فضای حاکم بر دستگاه قضایی حکایت از عدم رضایت کارکنان اداری و قضایی از منزلت شغلی خود دارد و آفت و تنزل روحیه انگیزه در کارکنان امری محسوس به نظر می رسد. علاوه بر وضعیت معیشتی که مؤثر در فرایند دادرسی می باشد، عدم جامعیت و شفافیت قوانین حاکم و انطباق آنها با نیاز جامعه (که یکی از اساسی ترین ویژگی های یک جامعه پیشرفته است)، حجم بالای قوانین، انباشتگی و عدم تنقیح آنها از یک سو، بی توجهی به سه عنصر استقلال، دانش و اقتدار از سوی دیگر را می توان از ارکان اساسی درآمدی قوه قضائیه دانست.

برخورداري قضات از دانش و تجربه کافی در کنار توانمندی در جای خود نقش بسزایی در توفیق و کارآمدی این قوه ایفا می کند.^۱ پیچیدگی روابط اجتماعی و رشد روز افزون شمار قوانین و پرونده ها، فرض مصون بودن قاضی از خطا را بی اعتبار کرده است. عدم توجه قضات به هر یک از مفاد مقررات انتظامی و تخطی و تخلف از حیطه حدود و وظایف و اختیاراتی که

۱- زندی، محمدرضا، یک رأی یک تجربه، چاپ اول، انتشارات جنگل، جاودانه، ۱۳۸۹، ص ۱۵



به موجب قانون به آنها تفویض و اعطاء گردیده، می تواند زمینه ساز بروز و وقوع آثار زیانباری باشد.

از آنجایی که قاضی باجان، مال، عرض و ناموس مردم سر و کار داشته و اصولاً با عمل به قوانین، حافظ آنها بشمار می رود، بی شک این واقعیت را باید پذیرفت دادرسان معصوم نیستند، حتی بهترین قاضی، مانند سایر افراد بشر همواره در معرض اشتباه و لغزش است و احتمال دارد آنچه که دادگاه حکم می کند مطابق با واقع و قانون نباشد، چنانچه یک قاضی قانونی را در استخدام مایلات خود را در آورد و میل و اندیشه خود را جایگزین قانون نماید، پس عدالت اقتضا دارد. برای اینکه چنین قشری از انحراف و خطا و فساد بدور باشد، باید تحت کنترل شدید حکومت و تشکلات قضایی قرار گیرد و راهی برای جبران کاستی ها باز باشد و اراده یک تن، هر چند که در کسوت مقام است، احترام قضا باشد، جای اراده عموم را نگیرد و بدین منظور وظیفه کنترل اعمال و رفتار قضات و قضیب و مجازات انتظامی آنها بر عهده دادرسان و دادگاه عالی انتظامی قضات گذارده شده است. لذا قاضی باید احاطه کامل به قوانین و مقررات را داشته باشد و در اجرای آن نیز دقت لازم را اعمال کند و در چارچوب قانون عمل نماید، در غیر این صورت مسئول می باشد و مسئولیت های متفاوتی برای وی مفروض است (مسئولیت کیفری، مسئولیت انتظامی، مسئولیت حقوقی (مدنی). در کشور ما تا قبل از صدور فرمان مشروطیت، به تناسب هر حکومتی، کنترل و تنبیهاتی که بعضاً نامتناسب با سیستم موجود بود، بر رفتار و عملکرد قضات وجود داشته است. در حال حاضر مهم ترین مسئولیت قانونی دادرسان و دادگاه عالی انتظامی قضات در انطباق اعمال ارتكابی قضات متخلف، نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۱۷/۱۷ مجلس شورای اسلامی می باشد. در نتیجه باید اذعان داشت که وجود قوانین و مقررات نظارتی موجود به تنهایی در کاهش تخلفات و جرائم قضات کارساز نبوده و نیست. بنابراین لزوم وجود قوانین و مقرراتی که به موجب آن بتواند منشاء تخلفات انتظامی قضات را شناسایی، ارزیابی و کنترل کرد، در نظام قضایی ایران به شدت احساس می شود،



فلذا با توجه به اهمیت موضوع این اثر علمی و موارد مطروحه در آن، می خواهیم به بررسی و موشکافی و تحلیل علل و عواملی که مؤثر بر تخلفات انتظامی قضات می باشند، پردازیم.

www.ketab.ir